

عقل و عشق در منظر ابوحالد غزالی

تألیف: سہاب عنونی، مہدی نصیری دہقان



سرشناسه:	یعنونی، سها، ۱۴۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور:	عقل و عشق در منظر ابوحامد غزالی / تألیف سها یعنونی، مهدی
نصیری دهقان:	
مشخصات نشر:	قسم: انتشارات امیرصدرا، ۱۳۹۷.
مشخصات فیزیکی:	۹۵ ص.
شاب:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۰۵-۵-۲
وضعیت فهرست نویسی:	یا
موضوع:	غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰ - ۵۰۵.
موضوع:	عشق (عرفان) - دیدگاه درباره عشق (عرفان).
موضوع:	
موضوع:	reason
موضوع:	عشق (عرفان)
موضوع:	Love (Mysticism)*
شناسه افزوده:	نصیری دهقان، مهدی، ۱۳۵۹
رده بندی کنگره:	BBR۶۱۱/ع۷ پ۷ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی:	۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۵۴۳۰۱۹۵

نام: عقل و عشق در منظر ابو حامد غزالی

محقق: دکتر مهدی نصیری دهقان

شابک: ۹۷۸۰۰۰۰۹۵۰۰۰۵۰۲

صفحه آرای: سحر علیزاده، گرافیک انتشارات امیرصدرا (بنیامین بعبوی)

انتشارات امیرصدرا

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

شماره تماس: ۰۹۱۷۰۲۴۱۷۶۶

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۰	پیشگفتار
۱۳	معنای لغوی عقل و عشق
۱۳	معنای لغوی عقل
۱۶	معنای لغوی عشق
۱۷	معنای اصطلاحی عقل و عشق
۱۷	معنای اصطلاحی عقل
۱۸	عقل در قرآن
۲۰	عقل در روایات
۲۲	عقل در اصطلاح عرفا
۲۳	عقل در اصطلاح متکلمان
۲۹	عقل در اصطلاح فلاسفه
۳۱	معنای اصطلاحی عقل و عشق
۳۲	عشق در قرآن
۳۲	عشق در اصطلاح عرفا
۳۸	عشق در اصطلاح متکلمان
۴۱	عشق در اصطلاح فلاسفه

- ۴۵ عقل و عشق در نزد غزالی
- ۴۵ عقل در نزد غزالی
- ۴۶ معنا و ماهیت عقل در اندیشه غزالی
- ۴۷ انواع عقل در نزد غزالی
- ۴۷ عقل مطبوع و عقل مسموع
- ۴۹ عقل نظری و عقل عملی
- ۵۵ مراتب عقل عملی و عقل نظری
- ۵۵ مراتب عقل نظری
- ۵۷ مراتب عقل عملی
- ۵۹ اعمال، کارکردها و وظایف عقل انسانی در نزد غزالی
- ۶۲ عشق در نزد غزالی
- ۶۳ معنا و ماهیت محبت از دیدگاه غزالی
- ۶۵ پیوند لذت و محبت در اندیشه غزالی
- ۶۷ روند تشکیل لذت
- ۶۹ رویکرد عرفانی و کلامی غزالی به عشق
- ۷۰ رویکرد عرفانی غزالی به عشق
- ۷۰ اسباب محبت
- ۷۰ سبب اول: حب نفس

۷۱	سبب دوم: احسان و نیکویی
۷۳	سبب سوم: جمال و زیبایی
۷۴	سبب چهارم: دوستی شخص نیکوکار
۷۵	سبب پنجم: قرابت نهانی و خفی
۷۷	رویکرد کلامی غزالی به عشق
۷۹	پیوند محبت و رؤیت در اندیشه غزالی
۸۵	فهرست منابع

پیشگفتار

شکل‌گیری هویت انسان بر اساس ذات، مختلف، برخاسته از حاکمیت عقل بر دیگر قوای انسانی می‌باشد و این را می‌توان محوریت‌ترین مباحث هویت‌ساز هر تمدنی بشمار آورد. هر مکتب و تمدنی که قادر به دسترسی این مهم شود، در حقیقت توانسته است که هویت معرفتی خود را از هجوم بیگانگان، حفظ نماید. بی‌تردید این مهم بر عهده اندیشمندان هر جامعه است. واقعیت متفاوت فکری مکاتب انسان‌ساز آغشته به این آموزه‌ها و انگاره‌ها می‌باشد.

مبحث عقل در مکاتب بشری، موضوعی بنیادین است و از این دو مکتب به‌دور مکتب بشری نیز سرایت کرده است، از دیدگاه اندیشمندان، عقل نیرویی است که در نهاد بشری گذاشته شده تا نیکی را از پلیدی و سره را از ناسره تمیز دهد و یاور انسان در طریق رسیدن به حقیقت گردد. واژه‌ی عقل مشترک لفظی است و دارای چندین

معنی است. یکی از معانی آن جوهری است که ذاتاً و فعلاً مجرد است و به «اول ما خلق الله» تعبیر می‌کنند و معنی دیگر عقل، نفس ناطقه است که ذاتاً مجرد ولی در فعل نیازمند ماده می‌باشد.

عقل انسانی جوهری است از جهان دیگر و نیرویی نهفته در جان انسان است که او را از سایر حیوانات متمایز ساخته و موهبتی است از جانب خداوند به نوع انسان و اساسی‌ترین ارزشمندترین وسیله زندگی معنوی و مادی بشر است. چنانکه تکامل روح و جسمی انسان بدون وجود آن امکان‌پذیر نیست و یک خمیره ازلی می‌باشد که در هر دوری تباری مشخص خویش را آشکار می‌سازد و هرگز روزگار از حکیم خردمند خالی نمی‌ماند. (دانشی شجاع اندیشه؛ ۵۸).

در عین حال عقل به عنوان سری بنیاد همیشه جایگاهی برای اختلاف نظر نحله‌های مختلف بوده، برخی آن را آسازگارهای خلقت خوانده‌اند که اسیر تن گشته و برای رهایی از این چاه ظلمانی و دریدن در بکر ما، ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها را پیشنهاد کرده و برخی نیز به تقدیس آن پرداخته‌اند. هر چه بد عقل، توانایی کشف حقایق و اشیاء را دارد و همین عقل چون و چراگر است که انسان را از نعمت استقلال و برترین مخلوقات بودن بهره‌مند می‌سازد.

از دیگر سو آنچه جهان را به جنبش در آورده و اساس و نیروی محرکه عالم وجود را دربر گرفته و همه لایه‌های عمیق هستی را فرا گرفته است، عشق است. عشق مکر و تزویر را در خود راه نمی‌دهد و راه منافقان و مزدوران را از رسیدن به ژرفای معنویت می‌بندد. عشق حقیقی وصف‌ناپذیر و بی‌پایان است، هنری مختص انسان می‌باشد و

این عملی است که فرشتگان عالم قدس در برابر آن احساس عجز و ناتوانی می‌کنند. از این رو اکثر بزرگان توجه شایانی به این امر داشتند. برخی آن را موضوع اصلی مباحث خویش قرار داده‌اند و معترف‌اند که آنان را عشق تعلیم سخن داده و معتقدند که بقای جاویدان تنها در فنای در عشق امکان‌پذیر است، زیرا نهایت هر عشق، ییدن به معشوق است.

روانشناسان عشق را نوعی احساس و یک کیفیت واحد بخصوصی معرفی می‌کنند که گاه نسبت به یک شخص یا یک چیز صورت می‌گیرد و هدفش ایجاد احساس خوشایند و آسایش خاطر می‌باشد، در روانکاوی از آن به هیجان اولیه و نامشخص جستجوی لذت تعبیر می‌کنند.

از آنجا که بحث در هر موضوعی باید خگوب به سوالات مربوطه، تنها زمانی میسر می‌گردد که انسان تصوّر روشنی از ماهیت و مفهوم موضوع ارائه دهد، لذا پیش از ورود به مباحث اصلی و متن مورد نظر، کتاب، مالمبی تحت عنوان معنای لغوی و اصطلاحی دو واژه عقل و عشق که هر کدام به نوبه خود ریای است بی‌کران و هر چه درباره آن گفته شود، کم خواهد بود و ناچیز، مطرح کرده و با عنوان مبادی تصوّری بکار رود. سپس عقل و عشق و مسائل مربوط به آن از دیدگاه غزالی، تبیین و بررسی می‌شود.